

این اثر حماسی مردم مغول منبع دست اول و منحصر به فردی است از تاریخ زندگی جنگیز خان و جانشینان وی و در آن فولکلور و افسانه با شرح دقیقی از جامعه مغول در قرون دوازدهم و سیزدهم میلادی به هم آمیخته است.



تاریخ سری مغولان (مغولون تیوخوا تونجا آن) کهبه ترین پیامدان ادبی به جا مانده از مردم مغول است. مؤلف این اثر ناشناخته است، و اگرچه بسیاری گمان می کنند که در سال ۱۲۲۰ نوشته شده، اما هم نام اصلی آن و هم تاریخ دقیق تألیف آن هنوز جای بحث دارد.

با این حال آنچه به هیچ شک و گمان می توان گفت این است که تاریخ سری سندی تاریخی و ادبی و بسیار مهم است. سوای آنچه در مورد شجره نامه خان های اولیه مغول می توان از این اثر دریافت و نیز درباره حیات و دوران جنگیز خان، بنیان گذار دولت متحد مغول، این اثر تصویری دقیق از شیوه زندگی مغولان بیابانگرد به دست می دهد و از این لحاظ برای شناخت جامعه مغول در قرون دوازده و سیزدهم منبهی باارزش و غنی به شمار می رود.

پوریس ولادیسیرتسف، دانشمند روسی ساریخ سری را دو قاع نامه ای قدما در کرده است که به شیوه ای ساسی نگاشته شده و دانگده از عطر و سوی استنبه ای شوروی است. سحقی انگلیسی، دیوید مورگان، عقیده دارد پا همه شک و تردیدی که مورخان در مورد صحت و دقت مطالب این کتاب دارند، تاریخ سری بدون تردید چشم انداز بی همتا و اصیلی از شیوه زندگی الگوهای اندیشه و پایورهای مغولان در قرن سیزدهم به دست می دهد.

تاریخ سری مغولان

نوشته شاگردان بیرا



الان فرامینر افسانه ای دودمان جنگیز خان

جنگیز خان، جنگجویی که قبایل مغول را با هم متحد ساخت

تاریخ سری را می توان به سه قسمت تقسیم کرد که شامل شجره نامه و اصل و نسب نیاکان جنگیز، داستان های مربوط به زندگی او و زندگی پسر و جانشینش اکتای است.

بخش نخست دربرگیرنده تاریخ افسانه ای مغولان است که بر بنیاد سنت های شفاهی کهن سد اسطوره ها و افسانه ها، ماجراها و شرح وقایع تاریخی سد به رشته تحریر درآمده است. این بخش با افسانه ای آغاز می شود درباره جد اعلی قوم مغول که در گرگی آبی قام بود، سر نوشت او در آسمان رقم خورده و همسرش گوزن زرد قام بوده تصویر گرگ در اساطیر بسیاری از مردم اروپا و آسیا (Eurasian) رخ می نماید و با کیش های نیاکان مربوط به رئیس قبیله با بنیان گذار دودمان یونندی تنگناک دارد. شجره نامه مستندی که از خانان مغول به دنبال می آید در ستایش شکوه و جلال هاردوی زرین است و حساسی نکات و اشاراتی درباره تبار قوم مغول است که در پژوهش های مربوط به سر آغاز تاریخ این قوم به کار می آید.

مضمون اصلی این اثر حماسی در بخش دوم نموده و گسترش پیدا می کند و در این بخش است که افسانه و اسطوره با وقایع قطعی تاریخی درهم می آمیزند. اگرچه روایت همچنان به شیوه حماسی است، اما در چهار چوب زسانی مشخص جریان پسند می کنند. برای مشخص کردن زمان وقایعی که به اتحاد قبایل متعدد و پراکنده مسطول و تشکیل حکومتی واحد به دست جنگیز خان قهرمان اصلی حماسه انجامید از یک نظام شرقی ساتتسماری برمنای دوره های دوازده ماهه استفاده می شود. از جنگیز خان تنها به عنوان نهرمانی افسانه ای و جنگجو و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
موسسه تخصصی زبان
موسسه تخصصی زبان

صفحه رو برو، تصویری از یک مینیاتور ایرانی از کتاب جامع التواریخ، در این مینیاتور جنگیز خان نشان داده شده که کشتی را به حضور پذیرفته است. جامع التواریخ از منابع مهم تاریخ مغول است.





تصویر جنگی‌خان روی ابریشم
از دوران پوران (قرن ۱۳ تا ۱۴)

میلادی) اطلاعات در

رتال جامع علوم انسانی

تجسمی از «انتر هیت استپ» پاد نمی‌شود، بلکه او همچنین
چهره‌ای سیاسی و سیاست‌مداری است که با «ارادهٔ آهنین» خود به
اختلافات و هرج و مرج ناشی از آن در میان قبایل مغول خانه
داد.

آسمان و ستاره‌ها پیش

در گردش بودند

مردمان بسیاری با یکدیگر می‌ستیزیدند

سر بر بالین نمی‌گذاشتند

خان و مان همدیگر را به تاراج می‌بردند

زمین و پوستهٔ زمین

زیر و رو می‌تند

همة ملت با یکدیگر درستیز بودند.

اگرچه قهرمان داستان جنگی‌خان یکی از بزرگترین فاتحان
در جهان است، اما مؤلف کتاب تاریخ سری چندان بر فتوحات او
در جنگ‌های با سرزمین‌های بیگانه تکیه نمی‌کند و به نظر می‌رسد

که به دلخواه این جنبه از شخصیت جنگی‌را نادیده می‌گیرد. از
سوی دیگر، جای جای سود و امتیازی را که بر یک دولت متحد و
متمرکز مغولی مترتب است، برای خواننده پادآور می‌شود.

قسمت سوم این حماسه که گسوتاه‌نسر است شرح دوران
جانشین جنگی‌خان «اکتای» (۱۲۴۱ - ۱۲۴۸) دومین خان بزرگ
مغول است. پاره‌ای از صاحب‌نظران عقیده دارند که این قسمت
بعداً به متن اصلی افزوده شده است.

کیش نور

تاریخ سری مسغولان به عنوان یک اثر سترگ ادیبی
دستاوردی منحصر به فرد در تاریخ اقوام و سرمد بسیار نامرود به
شمار می‌آید. این اثر را با پادمان‌های عظیم ادب دنیا همچون
اپیاد اثر هومر، شاهنامه فردوسی، افسانه‌های مربوط به اسکندر،
شاسون دو رولان در فراتسه و حماسهٔ اسپکار ایگور در روسیه
مقایسه کرده‌اند.



چنگیزخان (چپ) و اکباتی پسر و چاتنم او

جدا کرد و آنها را یکی یکی شکست و با این عمل به پسران خود نصیحت کرد که با انعام با یکدیگر آنان شکست ناپذیر خواهند شد.

منبعی برای شرق شناسان

تاریخ سری مغولان از دیرباز در شرق کتایب شناخته شده بوده است و در طول ۷۵۰ ساله که از نگارش آن می‌گذرد پیوسته یکی از منابع اصلی برای تاریخ مغولان و نیز دیگر سرزمین‌های آسیای مرکزی به شمار می‌رفته است. به این ترتیب این اثر در مشرق منبع الهام برای نگارش کتب عمده تاریخی بوده است از جمله جامع التواریخ که یک کتاب تاریخ عمومی به قلم مورخ ایرانی رشیدالدین فضل‌الله (قرن هفتم هجری سیزدهم میلادی) است و نیز کتاب یونان تیب (تاریخ سلسله یونان) مشهورترین سالنمار امپراتوری مغول در چین (قرن سیزده تا چهاردهم میلادی) مورد استفاده قرار گرفته است.

بر اثر کنار سرگرم خواجوه رشیدالدین فضل‌الله بسیاری از اطلاعات تاریخ سری در بسیاری از آثار مهم تاریخی مربوط به آسیای مرکزی و نیز امپراتوری مغول در هند بار دیگر به رشته تحریر درآمده و تفسیر مجدد شده است.

اکبرنامه سالنمار دوران پادشاهی اکبر شاه و تیاکان او نوشته مورخ بزرگ مغول ابوالفضل (۱۶۰۲ - ۱۵۵۱) روایت مسوطی

از آبستی آن قوا به دست می‌دهد که با داستان مریم خدرا قابل مقایسه است و این زن را نام مقام مادر خداوند بالامی‌برد و تأکید می‌کند که «اگر داستان مریم را شنیده‌ای داستان آن قوا (آن گوا) را نیز بشنو باور کن». ابوالفضل همچنین به دلایل متعدد می‌گردد تا ثابت کند که نسب اکثر شاهان از طریق سلسله به خدای مادر افسانه‌ای قوم مغول می‌رسد.

تاریخ سری در چین نیز به عنوان منبعی با ارزش در تاریخ مردم مغول قلمداد شده است و در قرن چهاردهم کاتبان چینی برای حفظ این میراث آن را به خط چینی برگرداندند که امروزه اثری از آن به جا نمانده است، همچنین به ترجمه کل اثر و نیز تلخیص آن همت گماشتند. در سال ۱۸۶۶ برای نخستین بار تاریخ سری از روی متن خلاصه چینی به روسی برگردانده شد و از آن تاریخ این متن شگفت‌انگیز سیاسی سرزمین دراماتیک مسلمان دانشگاهی بین‌المللی قرار گرفته است.

قوم مغول بر سر راه‌های ارتباطی جهان خود می‌زیستند و خطاست اگر بپنداریم که چنین حماسه‌ای را آنان در اتزوی خود در حاشیه دیگر تمدن‌ها آفریده باشند. نگارش این حماسه به خطی است که خاستگاه فنیقی، آرامی و سغدی دارد. بررسی دقیق تر متن حماسه نشان می‌دهد که این اثر از مفاهیم مذهبی و اسطوره‌ای مردمان شرق باستان و به ویژه کیش تورمانی تأثیر گرفته است. این کیش در افسانه‌های مغولی مربوط به آبستی روحانی آن قوا، نیای مادری دودمان چنگیز از «پدر روشناسی» بازتاب یافته است. آن قوا از نجره به خود چنین سخن می‌گویند: هر شبه در میان نوری عظیم و زرد رنگ، سردی از روزنه بالای چادر وارد می‌شد و شکم را لمس می‌کرد. نسرورن تناسم اعصاب وجود من جریان می‌یافت. سپس همچون سنگی زرد قام بیرون می‌خرید، گویی جذب روشناسی خورشید یا ماه می‌شد.

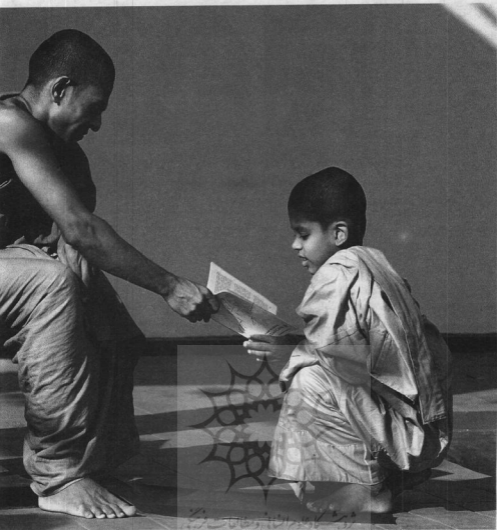
افسانه پنج تیر بیگان

پژوهندگان نشان داده‌اند که پیشینه پاره‌های افسانه‌های تاریخ سری به زمان‌های دور می‌رسد و شباهت زیادی با افسانه‌ها و داستان‌های آسیای مرکزی و اروپایایی دارد. داستان پنج تیر بیگان که به همدیگر بسته می‌شوند برای مثال، یادآور داستانی است که در میان ایرانیان باستان و بخصوص ساکها رواج داشت:

در یک روز بهاری که او داشت گوسفند خشک شده گوسفندی را می‌بخشت، پنج پسر خود را فراخواند که به نزدش بیایند و به هر کدام یک تیر چوبی داد و گفت آن را بشکنند! آنان تیرها را شکستند و از پیش او رفتند، بار دیگر او آن پنج تیر را به هم بست و به دست پسران خود داد و گفت آن را بشکنید، پسران هر کدام تلاش کردند اما هیچ‌یک قادر به شکستن آن نبود. آن گاه مادر خطاب به پسران خود گفت: «ایله، پسران من، شما همه از یک نزداید. اگر مثل آن پنج تیر بیگان که بار اول به شما دادم هر کدام تنها پاشید به آسانی شکسته می‌شوید. اما اگر با هم پاشید مثل وقتی که تیرها به هم بسته شده بودند چه کسی می‌تواند شما را شکست دهد و بر شما چیره شود؟»

پلوتارک نقل می‌کند که اسکیلور پادشاه ساکها (قرن دوم تا اول پیش از میلاد) پیش از مرگ پسران خود را فرا خواند و به هر کدام دسته‌ای تیر داد که آن را بشکنند. پسران پادشاه قادر به شکستن آن دسته‌ها نشدند. آن گاه خود پادشاه تیرها را از هم

شادگران تیرا
اعلی مغولستان، مشخص از
تاریخ مغول و حضور اکباتی
علوم کشور خویش است.
در باره تاریخ و فرهنگ مغول
آثار متعددی به چاپ رسانیده
است. از جمله پژوهش دربارهٔ
تاریخ مغول از قرن سیزدهم تا
چهاردهم که به زبان‌های روسی
و چینی ترجمه شده است.



مردی که با نام اشرفی و مقامات علمی

مهاو امسه وقایعنامه منظومی است که تاریخ جامع علوم اشرفی

کهن سریلانکا را در پسرده ای رنگارنگ نقش زده است. این حماسه، که در قرن ششم میلادی توسط راهبی بسودایی سروده شده است، تا کنون به دفعات تکمیل شده و وقایع قرون بعد را نیز در بر گرفته است.



کتابی که در سال ۱۹۸۶ میلادی در سریلانکا به نام «مها امسه» نوشته شد و در سال ۱۹۸۷ میلادی در سریلانکا به نام «مها امسه» منتشر شد. این کتاب در ۱۹۸۷ میلادی در سریلانکا به نام «مها امسه» منتشر شد. این کتاب در ۱۹۸۷ میلادی در سریلانکا به نام «مها امسه» منتشر شد.